

چو مود گریه کند

۳۴

چو مود گریه کند نعره میزند سوزان  
 چو مود گریه کند خنده میزند شیطان  
 چو اشک مود بریزد سگاره میسوزد  
 چو مشعل دل من

در اینها گریه در دریا  
 لطفاً در دریا  
 دلی

ز شوی بر سر روانه‌ها بشوای جغد  
 ز عیب در دل طلعت بر قصد اهریمن  
 چو مود بگریه کند در برابر دشمن

در اینها گریه فقط در دریا  
 در سبیل دشمن نه سینه  
 مال زلف را بچو در

ز قهرها بدو آینه موده های قرون  
 کند زاری و سون ز چاکهای کلن  
 چو اشک مود بریزد بر روزگار شکست  
 ز ترس جان  
 وز بیم ناصوانی من

در اینها غمخیز - حجب  
 مان خبر اول برادر

مطای چشمه صبح بهار را در دهانه  
 چو مود گریه کند از غم مقدس عشق  
 چو مود گریه کند گوشه‌ای به باد وطن  
 چو مود گریه کند مثل مرغ نور انسان  
 ز شوی شادی انسان در غم انسان

در اینها تا گریه در دریا  
 عشق در وطن و امان  
 خوب و بماندن  
 غم - حجب

\* \* \*

انتقاد

در لوس و سیاده لوحانه!

اولاً که مرد بعضی انسان گرفته شده است  
 دودت نیاید ز دودت در لوس  
 مرد نشانه که تکلیف خود صد نیاید

واله  
 ۱۹۹۹

مرد باید که در دریا در  
 سنگ زیرین آب باشد

بیت بلند دار که مردن روزگار  
 از دست بلند کمانی رسیده‌اند  
 جوانمرد، مردانه و قهره و کس

در لوس و سیاده لوحانه  
 صنیعاً در نظر گرفته‌اند، صحن لوس را در ناظر  
 و بی مغز است در لوس زمانه‌ای اردو با نام مرد  
 و قهر (manhood) یعنی آن که دست از شکر  
 و از این نظر که حرفی گفتم که نامردی



فقط صفتی در کس دارد وجود مرد (لا انفراسی) سانی ما  
نکوش کند این باجم مدان معنی است که نهی یا تحقیر است  
زن که ما را ... <sup>نور</sup> اگر ببرد گفته کرده آقا، قدس که بلند است  
یا صدای نهی گرم دیگر است اینگونه باین قصد افتد که بنا بر آن  
قد زن آقا کوتاه است و صدای زن او زشت و گوشه ای  
دل نبرد فقدان محرم کسی دفع کر این سوراخ حوائی

آوردت یعنی نه گفته "پس مال زن چطور؟" <sup>زاده</sup>  
و اما دفع طره، که عرا سلونه  
سفر عیب آید و در آن دارد  
واقعاً که حیناً!

در ترکیب زشتی  
؟ نه ۱۹۸۷

۲۹